

تفکر کاربردی Applied Thinking

گروه پژوهشی مدیریت حرفه ای

سال اول - شماره ۱ - تیر ۸۶

سرزمین پرسش‌ها

مهندس حمیدرضا همتی



دفعه قبل فرمانروای جهان پرسش‌ها را به شما معرفی کردیم. گفتیم که فرمانروای جهان پرسش‌ها، «من کیستم؟» است. کسی که بتواند پاسخ این پرسش را دریابد، در واقع فرمانروای زندگی خود خواهد بود و شایسته است که لباس فرمانروایی بر خرد خود بپوشاند. کارهایی که ما انجام می‌دهیم ناشی از این است که خود را چگونه دریافته‌ایم. کسی که می‌گوید «من خوبم» و خوبی را در خود می‌بیند دیگر چگونه می‌تواند دست به کارهای بد بزند؟ چنین انسانی هیچ‌گاه میل به انجام کار بد نخواهد داشت بنابراین بدون آنکه خود را در فشار

بیندازد و یا اینکه خود را از چیزی محروم کند، از بدی اجتناب خواهد نمود. کسی که تلاشی در راه پاسخ به این پرسش نمی‌کند، همچون آدم ابهام‌زده‌ای است که به سرزمین غریبی وارد شده و از آداب و رسوم آنجا چیزی نمی‌داند. اگر با کسی برخورد داشته باشد نمی‌داند چه کار کند. ممکن است بنا به عادت، دست خود را دراز کند ولی شاید در آن سرزمین غریب، دست دادن کاری زشت و خلاف ادب باشد و مستوجب مجازات گردد. ادامه مطلب در صفحه دوم

گاهی سوال مهم‌تر از
جواب است

افلاطون

مکایت کندوها

حکایتی در باب بهره‌وری

مترجم: رویا مصاحبی

روزی روزگاری دو زنبوردار زندگی می‌کردند که هر کدام یک کندوی عسل داشتند. آن دو برای شرکتی به نام «زنبورداران» کار می‌کردند. خریداران، از عسل‌ها بسیار راضی بودند و خواستار افزایش تولید شرکت شدند. بنابراین شرکت «زنبورداران» به منظور افزایش تولید، برای هر یک از آنها هدفی تعیین نمود. زنبورداران در مورد چگونگی رسیدن به هدف، نظرات متفاوتی داشتند و برای بهبود عملکرد کندوهایشان نیز راهکارهای متفاوتی ارائه دادند. یکی از آنها برای عملکرد زنبورها رویکرد مدیریتی را در پیش گرفت که بر اساس آن تعداد گل‌هایی که هر زنبور بر روی آن می‌نشست اندازه‌گیری می‌شد. برای چنین شمارشی، یک سیستم اندازه‌گیری گسترده با هزینه بالا راه اندازی شد. ادامه مطلب در صفحه سوم





گروه پژوهشی مدیریت حرفه ای

ادامه مطلب داستان سرزمین پرسش‌ها

در این شماره می‌خواهیم نایب فرمانروا را معرفی کنیم. فرمانروا از اقتداری برخوردار است که باعث شده دیگران حکومت او را بپذیرند ولی این فرمانروای بزرگ کارهایش را از طریق زیر دستانش انجام می‌دهد و نایب او بالاترین مقام را در بین زیر دستانش دارد. اینک به همان شیوه شماره قبل (جریان پرسش و پاسخ) سعی در معرفی نایب فرمانروا خواهیم داشت:

نایب فرمانروای جهان پرسش‌ها کیست؟ نایب فرمانروا، پرسش «بهترین کدام است؟» می‌باشد. نایب در همه کارهای خود نگاه به این دارد که از روش و راهی برود که برترین و خوب‌ترین باشد.

چرا فرمانروا چنین نایبی برای خود انتخاب کرده است؟ گفتیم که جهان پرسش‌ها، جهان اندیشه است و در چنین جهانی انتظار می‌رود که همه کارها باید به بهترین شکل ممکن انجام شود، همانطور که انتظار می‌رود کسی که نابغه و شاگرد اول شاگرد اول‌هاست، همه نمراتش ۲۰ و یا حداقل بالاترین نمرات باشد. فرمانروای جهان پرسش‌ها که خود الگوی همه پرسش‌هاست. نایب خود را پرسش «بهترین کدام است؟» قرار داده است تا هر دستوری که به نایب خود داد، به بهترین نتیجه برسد.

نایب فرمانروا چگونه عمل می‌کند؟ نایب فرمانروا خود معاونینی دارد که وقتی فرمانروا به او دستوری را داد، نایب با توجه به نوع دستور از معاونینش کمک می‌گیرد. تعدادی از معاونین نایب عبارتند از: کامل‌ترین کدام است؟ هماهنگ‌ترین کدام است؟ عملی‌ترین کدام است؟ زیباترین کدام است؟ ساده‌ترین کدام است؟ سریع‌ترین کدام است؟ منطقی‌ترین کدام است؟ مطمئن‌ترین کدام است؟

نایب هر دستور را با توجه به اینکه آن دستور برای چه قصدی و در چه شرایطی صادر شده با تعدادی از معاونین خود، اجرامی‌کند. مثلاً اگر دستور، این باشد که «تعدادی پرسش برای حل یک مسئله ریاضی به من معرفی کن»، نایب با «منطقی‌ترین کدام است؟» صحبت می‌کند و از طریق او پرسش‌های مورد نظر فرمانروا را انتخاب می‌کند، زیرا در ریاضیات باید از اصول و قواعد تبعیت کرد و منطق، این کمک را به ما می‌کند. ولی اگر فرمانروا دستور دهد که «چند پرسش برای کنترل آتش سوزی معرفی کن»، نایب به سراغ پرسش‌های «عملی‌ترین کدام است؟» و «سریع‌ترین کدام است؟» می‌رود، زیرا در این کار دقت عمل و سرعت، اهمیت بالایی دارد.

بنابراین می‌بینیم که نایب، بهترین را با توجه به نوع دستوری که به او می‌دهند معلوم می‌کند. در جایی بهترین، هماهنگ‌ترین است و در جایی بهترین، عملی‌ترین و در جایی بهترین، مطمئن‌ترین است. این شیوه‌ای که نایب برای خود انتخاب کرده است، خود از بهترین شیوه‌ها محسوب می‌شود. برای انجام کارها باید ببینیم چه کاری خواسته شده، و با توجه به کار خواسته شده روش و ابزار انجام کار را انتخاب کنیم، نه اینکه ببینیم خود چه چیزی را دوست داریم و همان را انتخاب کنیم. مثلاً اگر از ما پرسیدند که «چه نوع کتابی را دوست دارید؟» بهتر است نگوئیم کتاب داستان یا کتاب علمی، بلکه بهتر است پاسخ دهیم: «تا قصد از کتاب خواندن چه باشد؟» اگر قصد از کتاب خواندن، موفق شدن در امتحان باشد، بهتر است که کتاب درسی مربوطه را بخوانیم، زیرا پرسش‌های امتحانی از آن کتاب انتخاب می‌شود. ولی اگر قصد از مطالعه، مهارت یافتن در کار با رایانه باشد، بهتر است کتب خودآموز رایانه را مطالعه کنیم. حال اگر قصد

بسیار فوب است که هر
پند وقت یکبار جلوی
تمام کارهایی که انجام
میدهیم و برایمان
عادت شده اند، یک
علامت سوال بگذاریم.

برتراند راسل



گروه پژوهشی مدیریت حرفه ای برگزار
می‌کند:

دوره های تفکر کاربردی شامل:

- سوپر تکنیک تفکر
- تفکر استراتژیک
- تفکر سیستمی
- تفکر خلاق
- تفکر انتقادی
- تفکر الگو یاب
- تفکر مفهوم یاب
- و سایر تکنیکهای ۳۶ گانه تفکر



گروه پژوهشی مدیریت حرفه ای



ادامه مطلب داستان سرزمین پرسش‌ها

این باشد که اوقات فراغت را پر کنیم، بهتر است سراغ کتاب‌هایی برویم که به پرسش‌های ما پاسخ دهد و چشم انداز گسترده‌تری از زندگی، خود و هستی برای ما بگشاید.

اگر فرمانروا، «بهترین کدام است؟» را به عنوان نایب برای خود انتخاب نمی‌کرد چه می‌شد؟ به راحتی دچار خودخواهی و توهم می‌شد و تمام برنامه‌هایش با شکست روبرو می‌شد. انسان‌های موفق کسانی هستند که بهترین‌ها را برای خود انتخاب می‌کنند. این شیوه‌ای است که خداوند (که خود بهترین است) برای خود انتخاب کرده و می‌فرماید: «تبارک الله احسن الخالقین» (بزرگوار است پروردگار، که بهترین آفرینندگان است. سوره مبارکه مؤمنون - آیه ۱۴)

با ما باشید تا در آینده شما را با سایر شخصیت‌های این جهان شگفت‌انگیز آشنا کنیم ...

ادامه مطلب حکایت کندو ها

این زنبوردار در میانه فصل به هر زنبور، بازخوردی از عملکرد فردی او می‌داد. همچنین برای زنبورهایی که روی بیشترین تعداد گل‌ها نشسته بودند جوایزی در نظر گرفت. اما زنبورها هرگز در جریان هدف این کار یعنی تولید عسل بیشتر به منظور افزایش فروش شرکت قرار نگرفتند.

زنبوردار دیگر نیز برای سنجش عملکرد زنبورها، رویکردی مدیریتی را در پیش گرفت اما او با هر زنبور در مورد هدف کندو یعنی افزایش تولید عسل صحبت می‌کرد. زنبوردار و زنبورهایش کار خود را از دو جنبه مورد ارزیابی قرار می‌دادند: میزان شهدی که هر زنبور به کندو می‌آورد و میزان عسلی که کندو تولید کرده بود. عملکرد هر زنبور و عملکرد کلی کندو به صورت جدول بندی شده بر روی تابلوی اعلانات نصب شد تا همه زنبورها آن‌را ببینند. زنبوردار برای زنبورهایی که بیشترین شهد را جمع آوری کرده بودند جوایزی در نظر گرفت. وی همچنین یک برنامه تشویقی در نظر گرفت که مطابق آن به هر زنبور در کندو و بر حسب تولید کل کندو پاداش داده می‌شد. با تولید عسل بیشتر هر زنبور نیز، پاداش بیشتری دریافت می‌کرد.

در پایان فصل، زنبورداران رویکردهای خود را مورد ارزیابی قرار دادند. زنبوردار اول دریافت که در واقع تعداد گل‌های شهدگیری شده توسط کندویش افزایش یافته است اما میزان عسل تولیدی کندو کاهش یافته بود. طبق گزارش ملکه، چون زنبورها به شدت مشغول نشستن روی گل‌های بیشتر بودند میزان عسل کمتری با خود حمل می‌کردند تا بتوانند سریع‌تر پرواز کنند. همچنین از آنجاکه تنها نفرات اول مورد توجه قرار می‌گرفتند زنبورها برای دریافت جایزه درگیر رقابت با یکدیگر شده بودند و در نتیجه اطلاعات ارزشمندی را که می‌توانست به بهبود عملکرد کل زنبورها کمک کند از هم دریغ می‌کردند. (به طور مثال محل دشت‌های پرگلی که هنگام بازگشت به کندو در آن توقف می‌کردند و ...) وقتی زنبوردار جوایز را به زنبورهای برگزیده می‌داد، از پشت سر صدای وزوز زنبورهای ناراحت شنیده می‌شد (در پایان کار یکی از زنبورهای برگزیده رو به زنبوردار کرد و گفت: که اگر می‌دانستم که هدف اصلی، تولید عسل بیشتر است کاملاً متفاوت عمل می‌کردم).





گروه پژوهشی مدیریت حرفه ای



اما زنبوردار دوم با نتایجی کاملاً متفاوت مواجه شد. زنبورها تلاش خود را معطوف به جمع آوری شهد بیشتر به منظور تولید بی سابقه عسل کرده بودند چراکه هر زنبور بر روی هدف اصلی کندو یعنی تولید عسل بیشتر، تمرکز کرده بود.

زنبورها برای یافتن گل‌های پر شهدتر و ذخیره سریع‌تر شهدهای جمع آوری شده، با همدیگر همکاری می‌کردند. آنها همچنین دست به دست همدیگر می‌دادند تا ضعیف‌ترین زنبور نیز عسل بیشتری جمع‌آوری کند. به گزارش ملکه این کندو، حتی بازده کارگران ضعیف نیز ۱٪ افزایش یافته بود. چون کندو به هدف خود رسیده بود زنبوردار به عنوان تشویق، برای هر زنبور پاداشی در نظر گرفت. هنگام اعطای جوایز به زنبورهای برگزیده، صدای همهمه و خوشحالی همه زنبورها (حتی پیرزن‌های آنها!) باعث شگفتی زنبوردار شده بود.

این داستان در همین جا پایان نمی‌یابد چراکه جای تحلیل شما در آن خالی است؛ دیدگاه تحلیلی خود را از این داستان برای ما بفرستید.

مغز یافته‌ها

تهیه و تنظیم: آزاده رضائی

فرناس نسیان

یک پژوهش نشان داد، خرناس کشیدن باعث افزایش فراموشی می‌شود. به گزارش «جام جم» به نقل از پایگاه اینترنتی عرب آنلاین، کسانی که دارای مشکلات تنفسی هستند با خرناس کشیدن، باعث «کاهش رشد سلول‌های عصبی» می‌شوند. پاول اشتول، محقق آلمانی با بررسی کسانی که مدت زمان زیادی خرناس می‌کشند مشاهده کرد از بدی حافظه، عدم تمرکز و پاسخ دادن به مشاور رنج می‌برند. اشتول برای دریافت پایان‌نامه دکترای خود از دانشگاه «روستوک» این تحقیق را ارائه کرده است.

قرص ضد حماقت هم موجود است!

محققان آلمانی در حال آزمایش یک قرص ضد حماقت هستند! به گزارش شورت نیوز، این قرص سلولهای مغزی خاصی را فعال می‌کند که به تثبیت حافظه کوتاه مدت کمک می‌کنند و دقت و توجه را افزایش می‌دهند. تابه حال این دارو روی موش و مگس میوه آزمایش شده و نتایج نشان داده اند در رفع نقصان حافظه کوتاه مدت موثر بوده است.

آهسته بیدار شوید

بیدار شدن ناگهانی از خواب موجب گیجی و اختلال حواس حداقل به مدت ۱۵ دقیقه می‌شود. دکتر کاظمی، متخصص داخلی گفت: اسلیپ اینرشیا به گیجی و اختلال حواس بلافاصله بعد از بیدار شدن از خواب می‌گویند و در افرادی که پس از یک خواب ناآرام، ناگهان بیدار شوند، شدت بیشتری دارد. وی با اشاره به این که عوارض اسلیپ اینرشیا طولانی مدت حتی از کم خوابی نیز بیشتر است، افزود: زیرا هرچند فرد خواب کافی حداقل ۸ ساعته داشته باشد اما با بروز حالت طولانی مدت اسلیپ اینرشیا، قدرت تفکر مشاهده می‌شود، بنابراین افرادی که به طور مداوم دچار این دقیقه اول به ویژه سه دقیقه نخست پس از پریدن از خواب، بیشترین اختلال تفکر مشاهده می‌شود، بنابراین افرادی که به طور مداوم دچار این حالت می‌شوند، باید حداقل ۲۰ دقیقه بعد از بیدار شدن کار نکنند. این متخصص نوشیدن یک فنجان چای یا قهوه پس از بیدار شدن را در برطرف شدن حالت گیجی افراد موثر دانست و گفت: بروز حالت اسلیپ اینرشیا در افرادی همچون پزشکان، ماموران پلیس، آتش نشان‌ها و رانندگان وسایط نقلیه سنگین که اغلب در شیفت‌های شبانه فعالیت می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود.